



۲۰۱۸/۰۸/۰۶

رسول پویان

بلای جنگ و شرارت گرفته عالم را ز آه و ناله مظلوم زار می لرزد



ز چپغ و ولوله لاله زار می لرزد	درین زمانه دل از جور خار می لرزد
ز درد و زخم سکوت هزار می لرزد	ز قتل و غارت گل های باغ انسانی
به دست قدرت سرمایه دار می لرزد	ز انهدام طبیعت ز غارت هستی
بیاد باغ و گل و سبزه زار می لرزد	بجای سبزه و گل رابش پلاستیک است
ز تشنگی دل کشت و شیار می لرزد	فغان جنگل و مرغ و گیاه می آید
ز زهر عقرب و دندان مار می لرزد	نهنگ و ماهی ابشار زنده می میرند
ز انتحاری مذهب شعار می لرزد	زمان خود کشی نسل آدم دوپاست
ز کینه توزی سگ های هار می لرزد	ز مافیا و ز افراطی و ز آدمخوار
ز آه و ناله مظلوم زار می لرزد	بلای جنگ و شرارت گرفته عالم را
ز بی شماری سنگ مزار می لرزد	گمان کنم که مزارع شوندگورستان
ازین مسابقه در کشتار می لرزد	فروش اسلحه باجنگ میشود افزون
ز استعمار نوی پر شرار می لرزد	ز نقشه بیکه جهان رابه درد و غم آلود
چو آهوگان ز تیر و شکار می لرزد	جهان به پنجه غولان فتاده خون آلود

ز تیره بختی و برگشت غار می لرزد	ز جنگ سوم و محو تمدن انسان
فتاده مردم و دل بی قرار می لرزد	به قعر دوزخ جاسوس و اطلاعاتی
ز طرح توطئه بی شمار می لرزد	دروغ و فتنه گری پالسی شود منظور
قضا و عدل و حقوق و عیار می لرزد	ز بس فریب و تقلب تنیده در قانون
صلیب و درّه و شمشیر و دار می لرزد	ز خشم و نفرت و نفرین و انتقام و خون
ز محو همدلی و ترک یار می لرزد	ز عشق و عاطفه دل ها چرا بود خالی
ز خشم سیستم و تولید و کار می لرزد	بچنگ زوروزر سنگ دل فتاده عشق
زهوش مصنوعی درکارزار می لرزد	شروع زوررباطست و ضعف انسانی
به مرگ مهر و ز قلب فگار می لرزد	بهرطرف که نگه میکنی دل آزاریست

درین زمانه که دانش چراغ انسان است
چرا ز وحشت شب های تار می لرزد؟

